

بررسی ابعاد آینده پژوهی اسلامی در فرهنگ انتظار، از منظر آیت الله صافی گلپایگانی^۱

جلال ریزانه^۲

چکیده

یکی از آموزه‌ها و میراث‌های گران‌بهای باورداشت مهدویت در اندیشه آیت الله صافی گلپایگانی «فرهنگ انتظار» است. مهم‌ترین بعد فرهنگ انتظار، بعد «آینده‌نگری» و «آینده‌سازی» آن است که مطالعه آن در حیطه دانش «آینده پژوهی اسلامی» است. فرهنگ انتظار، بعد فراگیر آینده پژوهی اسلامی است که در آن شناخت و پردازش و ساخت آینده با هم مورد توجه هستند. در این مقاله به این پرسش پژوهشی پرداخته شده است که «ابعاد آینده پژوهی اسلامی در فرهنگ انتظار از منظر آیت الله صافی گلپایگانی کدام است؟» ساماندهی این پژوهش باهدف توسعه‌ای و دارای ماهیت کیفی است. برای جمع‌آوری داده‌ها، از روش کتابخانه‌ای (مطالعه اسناد و مدارک) و به‌منظور تحلیل داده‌ها از روش توصیفی- تحلیلی با تحلیل معنا ساختی و از نوع مفهومی استفاده شده است؛ یعنی مشابهت بین سازه‌های ذهنی و مفهومی، به‌گونه‌ای که مفاهیم و عبارات فرهنگ انتظار در اندیشه آیت الله صافی گلپایگانی، مبتنی بر اصول و روش‌های چشم‌اندازسازی و تصویرپردازی در آینده پژوهی اسلامی و اساسی شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد، چشم‌اندازسازی و ارائه تصاویر روشنی از آینده از روش‌های بیان چگونگی آینده‌سازی اندیشه آیت الله صافی گلپایگانی در فرهنگ انتظار است.

واژگان کلیدی: آینده پژوهی اسلامی، چشم‌اندازسازی، اندیشه فرهنگ انتظار، آیت الله صافی گلپایگانی، تصویرپردازی.

۱. این مقاله به همایش بین المللی مهدویت و انتظار در اندیشه حضرت آیت الله العظمی صافی گلپایگانی ارائه و طبق تفاهم نامه بین دفتر فصلنامه انتظار موعود با پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی چاپ شده است.

۲. استادیار گروه آینده پژوهی دین و دین داری، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران rizaneh1358@yahoo.com

مقدمه

یکی از آموزه‌ها و میراث‌های گران‌بهای باورداشت مهدویت در اندیشه آیت‌الله‌العظمی صافی گلپایگانی «فرهنگ انتظار» است. این اندیشه آکنده از امید، نگاه به آینده و آینده‌سازی پیش‌دستانه و فعالانه برای رسیدن به وضعیت مطلوب و جامعه مطلوب در مسیر ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است که در پرتو بصیرت، جهاد، مقاومت، تدبیر و زمان‌شناسی و توکل به خدا به دست می‌آید. در اندیشه این عالم مجاهد، جامعه منتظر و پویا در پرتو انتظار آینده‌نگر خود، می‌تواند به سرعت گام در وادی رشد و تعالی و انسان‌سازی، دولت‌سازی، امت‌سازی، تمدن‌سازی و آینده‌سازی بگذارد و به جامعه اسوه اسلامی و قدرت قرآنی در دوران غیبت تبدیل شود. در اندیشه ایشان، فرهنگ انتظار، با استناد به روایات مختلف، فرهنگ گشایش، استقامت و صلابت، تکلیف محوری، امید و اطمینان به آینده، حق‌گرایی و باطل‌ستیزی، صالح محوری، انزواستیزی و ضعف زدایی، صالح پروری، خرافه‌ستیزی، فسادستیزی، وحدت‌گرایی، نشاط‌آفرینی معنوی و اقتدارسازی نظام جمهوری اسلامی است که با ظرفیت‌هایی ویژه این فرهنگ می‌توان موجبات تعالی و بالندگی و موفقیت و کارآمدی ارکان جامعه را فراهم کرد. از کارکردهای فرهنگ انتظار از منظر آیت‌الله صافی گلپایگانی، مقاومت‌سازی جامعه منتظر و فرد منتظر در برابر سختی‌ها و دشواری‌ها و اقتدار بخشی و تواناسازی او در حل مشکلات و چالش‌ها است؛ بخصوص در برابر چالش‌های سیاسی و اجتماعی که عمدتاً از سوی مستکبران و مفسدان و ستمگران ایجاد می‌شوند. آنچه در فرهنگ انتظار قابل مشاهده و ادراک است ترسیم چشم‌اندازی روشن و امید بخش با ترسیم آینده مطلوب بر مبنای قرآن و روایات است که دارای ابعاد آینده‌پژوهی است.

مهم‌ترین بعد فرهنگ انتظار، بعد «آینده‌نگری» و «آینده‌سازی» و «آینده‌پردازی» آن است که مطالعه آن در حیطه دانش «آینده‌پژوهی اسلامی» است. در واقع این فرهنگ در پیوند با آینده‌پژوهی اسلامی پیگیری می‌شود که آینده‌پژوهی مذکور باید به مثابه دکتربین پیشرفت اجتماعی با ماهیت قدسی دیده شود؛ ایده‌ای در برابر دکتربین پیشرفت عرفی که بر مبنای ساختن تمدن غربی در عصر مدرنیته بوده است. با این فرض، استدلال می‌شود که مأموریت آینده‌پژوهی اسلامی می‌تواند جهانی‌سازی دکتربین پیشرفت قدسی باشد. اگر انتظار، از هر نوع را



مرتبط با گونه‌ای از «علم‌الانتظار» بدانیم آموزه انتظار یا به تعبیر دیگر «انتظار قدسی» با روایتی ویژه و نوخاسته از علم‌الانتظار یا آینده‌پژوهی پیوند دارد که عنوان آینده‌پژوهی قدسی برای آن پیشنهاد شده است (ملکی فر و همکاران، ۱۳۹۳: ص ۲۳). بر این اساس، فرهنگ انتظار، بعد فراگیر آینده‌پژوهی اسلامی است که در آن، شناخت و پردازش و ساخت آینده با هم مورد توجه است. تحلیل ابعاد آینده‌پژوهی اسلامی فرهنگ انتظار در اندیشه آیت‌الله صافی گلپایگانی، می‌تواند تأثیر بسزایی در اتخاذ سیاست‌ها و راهبردها و تصمیم‌های درست و آینده‌نگر سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، نظامی، دفاعی و امنیتی بگذارد و چشم‌انداز روشن و مطمئنی فرا روی جامعه قرار دهد. در این مقاله به این پرسش پژوهشی پرداخته شده است: «ابعاد آینده‌پژوهی اسلامی فرهنگ انتظار از منظر آیت‌الله صافی گلپایگانی کدام است؟»

مباحث نظری و پیشینه تحقیق

۱. فرهنگ انتظار در اندیشه آیت‌الله صافی گلپایگانی

حضرت آیت‌الله لطف‌الله صافی گلپایگانی، از مراجع تقلید شیعه و از شاگردان آیت‌الله بروجردی و عضو شورای استفتای ایشان بود. عضویت در مجلس خبرگان قانون اساسی و شورای نگهبان، از مناصب سیاسی ایشان در نظام جمهوری اسلامی ایران بوده است. از این عالم بزرگ، حدود هشتاد اثر فارسی و عربی چاپ شده است که برخی از آن‌ها جایزه کتاب سال ولایت و کتاب سال مهدویت را نیز به دست آورده است. کتاب «منتخب‌الاثار»، در مورد امام زمان عجل‌الله تعالی فرجه الشریف، از آثار مشهور ایشان است که آن را به توصیه استادش، آیت‌الله بروجردی نگارش کرده است. این مرجع تقلید، در حوزه مباحث امامت و مهدویت، از پژوهشگران پرکار شیعی و از پیشکسوتان مهدوی پژوهی است. در اندیشه ایشان، انتظار، زندگی، عمل صالحانه و متعالی بر اساس باور راسخ و عمیق به وجود حجت‌الخدایی است که در آینده ظهور می‌کند و باعث تحولات بزرگ و مهمی در جهان خواهد شد. همچنین در این اندیشه، فرهنگ انتظار را می‌توان آینده‌نگری دینی و داشتن چشم‌انداز روشن و قطعی از آینده مطلوب و مرجح و محتومی دانست که اساس آن تشکیل امت واحد جهانی اسلام در پرتو حکومت جهانی مهدوی و تحقق بشارت-



های قرآنی است. بنابراین، فرهنگ انتظار شیعی در اندیشه ایشان، در گفتمان انقلاب جمهوری اسلامی ایران نیز، آینده‌نگر، آینده‌گرا و آینده‌ساز است. لذا برای تعریف فرهنگ انتظار در اندیشه آیت الله صافی گلپایگانی، باید بیان داشت که فرهنگ انتظار مجموعه‌ای است از هنجارها، ارزش‌ها، آیین‌های اعتقادی، شعائر و سنت‌های رفتاری که با حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و انتظار ظهور ایشان مرتبط است که دارای قدرت تغییر نظام کنونی جهان و تحقق زمینه‌های ظهور می‌باشد.

۲. آینده‌پژوهی

«آینده‌پژوهی»، به عنوان مقوله‌ای میان رشته‌ای در پی کشف و شناسایی آینده‌های ممکن، محتمل و مطلوب و کاربست آن در زمان حال است. هدف آینده‌پژوهی، تولید روشمند دانش راهنما و استفادهٔ بیش‌تر از ملاحظات آینده محور در فرآیند تصمیم‌گیری است (میچیچ، ۱۳۸۷: ص ۱۱). آینده‌پژوهی شکل خاصی از پرداختن به آینده است و بر مؤلفه‌هایی، مانند تداوم روندهای تاریخی، امکان‌آمدگی برای رو به رو شدن با آینده، رصد کردن تغییرات و تحولات ممکن و دلالت دارد. اهمیت و ضرورت آینده‌پژوهی بر کسی پوشیده نیست؛ زیرا برای رویارویی با تغییرات اقتصادی و اجتماعی، سیستم‌های علمی و تکنولوژی، بایستی یا از طریق سازگار کردن تکنولوژی‌های فعلی و یا ایجاد و به کارگیری تکنولوژی‌های جدید، به پاسخ‌گویی و تغییر قادر باشند. ارزش آینده‌پژوهی در آن است که فرصتی ساختار یافته برای نگاه به آینده، و بررسی نقش علم و تکنولوژی در آینده فراهم می‌آورد و بدین ترتیب، زمینه و بستری مناسب برای سیاست‌گذاری علم و تکنولوژی و برای کشورها فراهم می‌کند. امروزه آینده‌پژوهی وسیله و روش مناسب و مفیدی برای برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری در زمینه‌های مختلف، به خصوص اقتصاد، فن‌آوری و سیاست است و می‌تواند افق دید (چشم‌انداز) کشورها را نسبت به آینده تغییر دهد و در سطوح مختلف ملی، منطقه‌ای و حیاتی، آن‌ها را به فعالیت وادارد (ریزانه، ۱۳۹۹: ص ۹۸۰). «آینده‌اندیشان» در هر حوزه و قلمروی که به فعالیت و پژوهش سرگرم باشند، می‌کوشند با تصویر کردن شمار هر چه بیش‌تری از آینده‌های ممکن (در حد توانایی ذهنی خود)، زمینه را برای مشخص کردن آینده‌های محتمل از درون این آینده‌های ممکن، آماده کنند و سپس از



میان این آینده‌های محتمل، مطلوب‌ترین و نامطلوب‌ترین آینده‌ها، شناسایی می‌شوند و کوشش می‌گردد، برای تحقق دسته نخست و جلوگیری از وقوع دسته دوم، برنامه‌ریزی‌های مناسبی صورت پذیرد (همان، ص ۹۷۴). آینده‌پژوهی، دانش شناخت نظام‌مند آینده در موضوعات و پدیده‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و فناوری است که امکان انتخاب، برنامه‌ریزی، مواجهه و کنترل آگاهانه و مدبرانه آن‌ها را در حد مطلوب و مؤثر فراهم می‌کند. به عبارت ساده‌تر، آینده‌پژوهی (به‌عنوان مقوله‌ای میان‌رشته‌ای)، در پی کشف و شناسایی آینده‌های ممکن، محتمل و مطلوب و کاربست آن در زمان حال است» (کارگر، ۱۳۸۹: ص ۹۱). سه رویکرد به مطالعه آینده وجود دارد: «آینده‌پژوهی اکتشافی یا تحلیلی»؛ «آینده‌پژوهی تصویر پرداز»؛ و «آینده‌پژوهی هنجاری یا تجویزی». بر اساس این رویکردها آینده‌پژوهی می‌کوشد با استفاده از روش‌های مختلف، تحولات و رویدادهای آینده را در قالب گزینه‌های بدیل یا آینده‌ها شناسایی و کشف کند و سپس با استفاده از روش‌های هنجاری در آفرینش آینده‌های مطلوب بکوشد. در واقع، باتوجه به این سه رویکرد می‌توانیم شاهد سه سطح از آینده‌پژوهی باشیم که در هر سطح - که مکمل سطح‌های دیگر است - اقدامات و شیوه‌ها و مسیرهای خاصی را در مورد آینده داشته باشیم. این سه رویکرد، رویکردهای ناظر به شناخت، ناظر به طراحی آینده و ناظر به ساختن آینده است که در بعضی از تعاریف هر سه یا دو سطح آن مورد اشاره قرار گرفته‌اند؛ از جمله آینده‌پژوهی مطالعه نظام‌مند آینده‌های ممکن، محتمل و مرجح و دیدگاه‌ها و جهان‌بینی‌ها و اسطوره‌های بنیادین هر آینده (عنایت‌الله، ۱۳۹۴: ص ۶۵). آینده‌پژوهی از نیروهای خارجی تأثیرگذار بر آینده طالع‌بینی و پیشگویی به سمت ساختار (الگوهای تاریخی تغییر، ظهور و سقوط ملت‌ها و نظام‌ها) و عامل انسانی (مطالعه و خلق تصاویر مرجح آینده) حرکت کرده است و به دنبال گشودن و آشکار کردن آینده و حرکت از آینده «محتمل» به آینده‌های «بدیل» است (همان، ص ۳۵). در رویکرد توصیفی (اکتشافی) آینده‌پژوهی به‌عنوان مقوله‌ای میان‌رشته‌ای در پی کشف و شناسایی آینده‌های ممکن، محتمل و مطلوب و کاربست آن در زمان حال است. هدف آینده‌پژوهی، تولید روشمند دانش راهنما و استفاده بیش‌تر از ملاحظات آینده محور در فرایند تصمیم‌گیری است. بر این اساس، آینده‌پژوهی عبارت است از تلاش برای درک آنچه در آینده می‌تواند روی دهد و یا باید روی دهد



(مرادی پور و نوروزیان، ۱۳۸۴: ص ۴۶). در رویکرد آینده‌سازی، آینده‌پژوهی مدیریت هنری ابزار، فنون نیروها به منظور بهبود اوضاع و به دست گرفتن کنترل و مهار آینده است. در مطالعات آینده‌پژوهی، نه یک آینده، بلکه آینده‌ها وجود دارند که از آن تحت عنوان آینده‌های «بدیل» نام برده می‌شود. آینده‌های بدیل از منظر بسیاری، مفهوم محوری آینده‌پژوهی به شمار می‌رود؛ این باور که افراد، گروه‌ها و فرهنگ‌ها در مسیری از پیش مقدر، به سوی آینده‌ای واحد و یگانه قرار ندارند، بلکه با به‌کارگیری قوای آینده‌نگری و تصمیم‌گیری خود، می‌توانند آینده‌ای را از میان گستره وسیعی از مسیرهای منتج به آینده و پیامدهای آن برگزینند (اسلاتر، ۱۳۹۰: ص ۳).

۳. آینده‌پژوهی اسلامی

«آینده‌پژوهی اسلامی»، نسخه‌ای نو از آینده‌پژوهی است که هم با اسلام سازگار است و هم از جهان‌بینی و توصیه‌های اسلامی نهایت استفاده را می‌کند. آینده‌پژوهی اسلامی، برخلاف آینده‌پژوهی مرسوم (سکولار و غربی)، نه تنها دین را کنار نمی‌گذارد، بلکه بر این باور است که منبع اصلی آینده‌پژوهی، دین اسلام است و نمی‌توان بدون سازگاری با اسلام و بهره‌گیری از آموزه‌های گسترده آن آینده‌پژوهی کرد (ریزانه، ۱۳۹۹: ص ۹۸۴). در این زمینه گزاره‌هایی که اسلام در خصوص آینده (مانند مهدویت) ارائه کرده است؛ مهم‌ترین منبع به شمار می‌آیند. آینده‌پژوهی اسلامی دانشی ارزش بنیان است و به همین سبب با جهان‌بینی، ایدئولوژی و فرهنگ اسلام ارتباطی تنگاتنگ و ناگسستنی دارد. آینده‌پژوهی اسلامی، هنوز در مراحل اولیه رشد است. طی سال‌های ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۰ میلادی، اکثر تألیفات در این زمینه، از ضیاء الدین سردار (آینده‌پژوه پاکستانی) و برخی از همکارانش می‌باشد. دیدگاه‌های مطرح در خصوص آینده‌پژوهی اسلامی را می‌توان به دودسته کلی تقسیم کرد. بر پایه دیدگاه نخست، آینده‌پژوهی در جوامع اسلامی را می‌توان به صفت «اسلامی» موصوف کرد؛ چرا که تحت‌تأثیر نگرش و جهان‌بینی اسلامی است و توسط مسلمانان به سامان می‌رسد. بر اساس این دیدگاه، دین مبین اسلام بخشی از چارچوب شناختی - هنجاری آینده‌پژوهان، مسلمان را تشکیل می‌دهد و آینده‌پژوهان، حتی به صورت ناخواسته جهان‌بینی اسلامی را در نظر می‌گیرند و از آموزه‌های اسلامی بهره می‌جویند (بهروزی لک، ۱۳۹۰: ص ۱۳۶). درست است که اعتقادات دینی آینده‌پژوه بر



آینده‌پژوهی تأثیرگذار است؛ این کم‌ترین تأثیر دین است. آینده‌پژوهی دانشی غربی و سکولار است. این دانش دین را به رسمیت نمی‌شناسد و حتی در اصول و مفروضات، با آن ناسازگاری‌هایی دارد؛ مثل نادیده انگاشتن اراده الاهی. پس با این اوصاف مسلمان بودن آینده پژوه نمی‌تواند دلیل بر اسلامی بودن آینده‌پژوهی باشد؛ چرا که آینده‌پژوه مسلمان خود را به چارچوب شناختی - هنجاری رایج حاکم بر آینده‌پژوهی تسلیم کرده است (عیوضی، ۱۳۹۳: ص ۸۴).

دیدگاه دوم، توسط ضیاء الدین سردار، آینده پژوه پاکستانی مطرح شده است. به اعتقاد او، علم اسلامی زیربنا و مسیر اصلی برای رسیدن به آینده‌پژوهی اسلامی به شمار می‌آید و باید علم آینده‌پژوهی را اسلامی کرد. سردار معتقد است که علم اسلامی و نظریه‌پردازی در چارچوب دین اسلام مسیر مناسبی برای شکل دادن به آینده‌پژوهی اسلامی است (سردار، ۱۹۸۹: ص ۵۴).

آینده‌پژوهی از این لحاظ، برای اندیشمندان اسلامی نیز مهم است که با استفاده از پیش‌بینی آینده که در روایات معتبر آمده است، به طراحی و تبیین مسائل علمی و فرهنگی بپردازند تا بتوانند مؤمنان جامعه را در چنین اوضاعی از گزند خطرهای ایمن نگه دارند. آینده‌پژوهی اسلامی به این معنا، دانشی است که با اتکا به مبانی اسلامی و بهره‌مندی از ابزارهای علمی و به‌کارگیری خلاقیت، توان خلق فناوری‌های جدید، دارای ساز کارهای فرهنگی و علمی شایسته جامعه اسلامی است. به بیان دیگر، دانشی است که می‌تواند همه مؤلفه‌های جامعه مطلوب اسلامی آینده را تصویر کند و پیش رو قرار دهد (حسینی، ۱۳۹۴: ص ۲۵). هدف آینده‌پژوهی مدرن، حفظ و بهبود سطح آزادی و رفاه بشر است. از دیدگاه اسلام این هدف مشکلی ندارد؛ اما نمی‌تواند به‌عنوان هدف کلان آینده‌پژوهی اسلامی در نظر گرفته شود؛ چرا که بر اساس اسلام، آینده مطلوب رسیدن به رضای خدا و سعادت اخروی و دنیوی است. در این مسیر، انسان دارای مهم‌ترین نقش در تأمین سعادت فردی و اجتماعی است. بنابراین، هدف اساسی آینده‌پژوهی اسلامی گسترش عدالت و معنویت برای رسیدن به سعادت و قرب الاهی است. آینده‌پژوهی اسلامی می‌کوشد انسان‌ها در کنار زندگی مطلوب دنیوی، به چشم‌انداز اصلی که سعادت اخروی است، نیز دست یابند.



۴. چشم‌اندازسازی

«چشم‌اندازسازی» یکی از روش‌های پرکاربرد در آینده‌پژوهی اسلامی است. چشم‌اندازسازی، فرایند ساخت حالت دلخواه و ایده‌آل از آینده است که به حد کافی واقعی باشد و بتواند همانند «آهن‌ربا» اهداف مورد نظر را جمع کند و همانند «مهمیز» برانگیزاننده اقدام فعلی باشد. از منظر اسلاتر، این فرایند غالباً در کارکردهای آینده‌پژوهی انجام می‌پذیرد (بهرزولک، ۱۳۹۰: ص ۱۳۷). چشم‌اندازسازی را می‌توان از دو حیث «محتوا» و «فراگرد، تنظیم، اجرا و ارزیابی» مورد توجه قرارداد. هر چه محتوای چشم‌انداز عینی‌تر و محسوس‌تر باشد، تنظیم آن آسان‌تر است و به‌مراتب افزایش سطح انتزاع، اقدام در مورد آن دشوارتر خواهد بود. چشم‌انداز دارای مراتب زمانی است و باتوجه به معیار زمان آینده دارای طبقه‌بندی و گونه‌شناسی است. انواع چشم‌انداز از منظر زمانی چشم‌انداز آرمانی (پنجاه سال و بیش‌تر)، چشم‌انداز راهبردی (بیست سال)، چشم‌انداز عملیاتی (پنج سال و کم‌تر) و چشم‌انداز تاکتیکی (یک سال) است. این تقسیم‌بندی از چشم‌اندازها از زمان حال تا افق نفوذ ما برای ترسیم آینده مرجح، امتداد دارد و اقدامات راهبردی را در ساخت آینده، جهت‌یابی و ترسیم می‌کند؛ یعنی از زمان حال ما می‌توانیم یا تصمیم می‌گیریم کدام نوع از چشم‌انداز را ترسیم کنیم یا بنویسیم. باتوجه به مراتب زمانی چشم‌انداز، تعریف ما در این مقاله از چشم‌اندازسازی آرمانی و راهبردی است که به تدوین برنامه چشم‌انداز تا شفاف‌سازی اقدام راهبردی منجر می‌شود. این روش از آینده‌پژوهی به ساخت دیدگاه‌هایی کم‌وبیش مورد اجماع اشاره دارد که می‌توانند وضعیت‌های ممکن را از آینده نشان دهند که این وضعیت‌ها برای گروهی از بازیگران بیش‌تر مطلوب است. هدف چشم‌اندازسازی به مثابه یک روش، دستیابی به موقعیتی مطلوب در آینده است. از این‌رو، با ترسیم آینده‌های ممکن، محتمل و محال هیچ تناسبی ندارد؛ و به دنبال آینده‌ای مرجح است؛ یعنی آینده‌ای که «می‌خواهیم باشد». چشم‌انداز دارای دو بخش اصلی «ایدئولوژی اصلی» و «آینده‌رؤیایی» است. در بخش ایدئولوژی، ارزش‌های بنیادی و اهداف بنیادی بیان می‌شود و در بخش آینده‌رؤیایی با تعیین اهداف کلان و بلند پروازانه به بیان خواسته‌ها و آرزوها می‌پردازد.



۵. تصویرپردازی

«تصویرپردازی» تلاشی است خلاقانه برای تجسم، شناخت، و ساخت هدفمند آینده‌های ممکن، محتمل و مطلوب با تکیه بر واقعیات بیرونی که هدف اصلی آن، دادن هشدار، یا ایجاد وضعیتی مطلوب است. تصویرپردازی از آن رو که در جهان دارای پیچیدگی‌های اساسی، تا حدودی قدرت و قابلیت شناخت دقیق آینده را به ما می‌دهد؛ دارای ارزش و اهمیت بسیاری است. تصویرپردازی از آینده، یکی از حوزه‌های مورد بحث در آینده‌نگری است. این حوزه با دو رویکرد القایی و بصیرت بخش انجام می‌گیرد. تصویرپردازی از آینده را نمی‌توان با رویکرد القایی انجام داد؛ چرا که از مشروعیت برخوردار نیست و در سیر زمان به شکست محکوم است. بنابراین، به منظور ارائه تصویری عقلایی و منطقی از آینده باید آن را با رویکرد بصیرت بخش دنبال کرد. از این رو، تنها زمینه قابل اعتنا، آینده‌نگری الهی است که به تصویرپردازی بصیرت بخش منجر می‌شود. ادیان، به ویژه دین اسلام، خصوصاً مذهب تشیع سرشار از تصویرپردازی از آینده است. در قرآن کریم و روایات ائمه اطهار علیهم‌السلام نکات برجسته‌ای در مورد آینده و خصوصیات آن آمده است. روش تصویرپردازی در آینده‌پژوهی اسلامی، به عنوان نسخه اسلامی و بومی روش تصویرپردازی مدرن مطرح است. در روش تصویرپردازی، میان آینده‌پژوهی اسلامی و آینده-پژوهی مدرن تفاوت‌های اساسی وجود دارد. در آینده‌پژوهی مدرن توسط یک یا چند آینده‌پژوه، با تکیه بر منابع علمی و عقلی از آینده تصویرپردازی می‌شود؛ اما در آینده‌پژوهی اسلامی، خالق واقعی تصاویر آینده، خداوند متعال است و نقش آینده‌پژوهان تنها کشف این تصاویر با تکیه بر دانش، تجارب و تعالیم اسلام راستین، به ویژه تشیع است. منابع اسلامی و آیات و روایات ما مملو از تصویرسازی‌های مثبت و منفی از آینده این جهان و جهان آخرت است؛ آیات و روایاتی که با مطالعه و بررسی آن‌ها می‌توان از آینده‌های ممکن جهان پرده‌برداری کرد. لذا نیاز به مطالعه و مذاقه در زمینه تصویرسازی آینده، به خصوص در جایی که بحث‌های تمدنی پیش می‌آیند، خود را بیش از پیش نمایان می‌کند.

روش تحقیق

انجام این پژوهش دارای هدف توسعه‌ای و با ماهیت کیفی است. برای جمع‌آوری داده‌ها، از



روش کتابخانه‌ای (مطالعه اسناد و مدارک) و به منظور تحلیل داده‌ها، از روش توصیفی-تحلیلی با تحلیل معناساختی و از نوع مفهومی استفاده شده است؛ یعنی مشابهت بین سازه‌های ذهنی و مفهومی. این روش به لحاظ تئوریک، برای نشان دادن تمایزها و مشابهت‌ها، به دلیل منطق قیاسی آن قابل توجه است. از این روش در جهت دریافت ابعاد و جنبه‌های روشی آینده‌پژوهی اسلامی در زمینه فرهنگ انتظار از منظر آیت‌الله صافی گلپایگانی بهره‌برداری گردید؛ به گونه‌ای که مفاهیم و عبارات فرهنگ انتظار در اندیشه آیت‌الله صافی گلپایگانی مبتنی بر اصول روش‌ها و مفروضات آینده‌پژوهی اسلامی بررسی شد. این روش، برای تعمیق شناخت روش‌ها به منظور کاربرد، قابل توجه است. بدین منظور فرهنگ انتظار در اندیشه آیت‌الله صافی گلپایگانی با محوریت مشابهت‌پذیری با دو روش چشم‌اندازسازی، تصویرپردازی و همچنین با توجه به مبانی آینده‌پژوهی اسلامی واسازی شده‌اند.

یافته‌های پژوهش

همان گونه که اشاره شد، روش‌های چشم‌اندازسازی و تصویرپردازی در آینده‌پژوهی اسلامی دارای کاربرد محوری در بیان آینده‌های محتوم و مورد اشاره در آیات و روایات اسلامی است. از آن‌جا که مباحث مطرح شده در مقوله فرهنگ انتظار در اندیشه آیت‌الله صافی گلپایگانی، با محوریت آینده‌های محتوم ظهور، بر مبنای آیات و روایات اسلامی می‌باشد؛ بررسی این مباحث در دو روش چشم‌اندازی و تصویرپردازی می‌تواند بیان‌کننده ابعاد فرهنگ انتظار از دیدگاه آیت‌الله صافی گلپایگانی در آینده‌پژوهی اسلامی باشد. لذا با واکاوی مطالب و مفاهیم در آثار مهدویت آیت‌الله صافی گلپایگانی، می‌توان اهداف مشخص شده در راه رسیدن به ظهور را به صورت چشم‌انداز ترسیم کرد. همچنین شرح اتفاقات و توصیف و بیان واقعه‌های زمان ظهور، تصاویری روشن تا زمان ظهور را ارائه می‌کند که می‌تواند با روش تصویرپردازی مورد واکاوی قرار گیرد. لذا دو مقوله «چشم‌اندازسازی برای امت اسلامی» و «تصویرپردازی از آینده مطلوب و مرجح» به بررسی ابعاد آینده‌پژوهی اسلامی در فرهنگ انتظار از منظر آیت‌الله صافی گلپایگانی می‌پردازد:



۱. چشم‌اندازسازی برای امت اسلامی

فرهنگ انتظار در اندیشه آیت‌الله صافی گلپایگانی، ترسیم‌کننده چشم‌اندازی روشن، جذاب و قابل تحقق بر اساس مدینه فاضله است. چشم‌اندازی که با ظهور امام زمان عجل‌الله تعالی فرجه‌ه الشریف و مجاهدت اهل ایمان در ذیل رهبری حضرتش محقق می‌گردد و هر شخصی می‌تواند در تحقق این چشم‌انداز دارای نقش و حظی باشد. در فرهنگ انتظار از منظر ایشان:

سیاه پوست و کسی که از طبقه پست باشد، با سفید پوست و طبقات به اصطلاح عالی برابر است و مانند هر مسلمان دیگری محترم می‌باشد و به مجرد اسلام آوردن با همه افراد رابطه برادری خواهد داشت و در هر مسجدی بخواهد می‌تواند خدا را عبادت کند، بلکه می‌تواند دوش به دوش بزرگ‌ترین برادران مسلمان خود، از جهت مقام و موقعیت اجتماعی بایستد و با او بر سر یک سفره بنشیند (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۲: ص ۲۵).

فرهنگ انتظار در ترسیم چشم‌انداز، مسئله عدالت را محور و اساس شکل‌گیری رضایت الاهی و بندگان مؤمن می‌داند و با توصیف چگونگی شکل‌گیری عدالت به ترسیم سایر ابعاد مطلوب در زمان تحقق حکومت امام زمان می‌پردازد:

عقیده به ظهور حضرت مهدی و قیام انقلابی و حکومت جهانی و عدالت‌گستر آن حضرت نیز، فکر و اندیشه را وسیع و جهان‌اندیش می‌سازد، که به دورترین نقاط جهان بنگرد و خیر و رفاه مردم تمام مناطق گیتی را بخواهد و عالم را مملکت خدا بداند، که عاقبت و پیروزی با پرهیزکاران و شایستگان است، که خدای متعال در قرآن چنین بشارت داده است (انبیاء: ۱۰۵)؛ از اخبار استفاده می‌شود: در زمان ظهور آن حضرت، خردها و اندیشه‌ها کامل می‌گردد. این نه فقط در عصر ظهور است؛ بلکه در عصر غیبت نیز چنین است که مؤمنان واقعی، حقایق را روشن‌گرانه درک می‌نمایند و عالم و مسائل جهانی را با نگرش دوربین مطالعه می‌کنند (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۲: ص ۱۷).

برخلاف یوتوپیست‌های غربی یا افرادی که می‌خواهند راجع به آینده نظر دهند که فقط توانسته‌اند راجع به آینده، پیش‌بینی داشته باشند و در مقام عمل، تمام تئوریسین‌ها، غرب موجود را کمال بشر معرفی کرده و به بیان‌های مختلف، پایان تاریخ را همین لیبرال دموکراسی می‌دانند؛ چشم‌انداز مطرح شده، در فرهنگ انتظار از منظر آیت‌الله صافی گلپایگانی دارای نوعی آینده‌نگری است که نمی‌خواهد به وضعیت موجود تن دهد و به این ترتیب از دو زاویه از برخی



آینده‌نگران غربی متفاوت می‌شود: اول این که علاوه بر وجه آینده‌نگری، فرهنگ انتظار با چشم‌اندازسازی آینده‌گرا نیز می‌باشد؛ یعنی علاوه بر این که به آینده می‌اندیشد، به سوی آن گام بر می‌دارد و در برابر غرب که خواهان آن است که تاریخ را در ساحت خود به پایان رساند، مقاومت می‌کند و خواهان عبور از آن می‌باشد. دوم این که فرهنگ انتظار از دیدگاه ایشان نه تنها آینده‌نگر و آینده‌گرا است، بلکه آینده پرداز (آینده‌ساز) هم می‌باشد و برای ساختن آینده‌ای متناسب با آرمان‌نمایی‌های خود خارج از دنیای مدرن به برنامه‌ریزی و نظام‌سازی اقدام می‌کند. در مقوله انتظار و در اندیشه آیت‌الله صافی گلپایگانی، افراد منتظر حتماً به دنبال حکومت‌کردن و رهبر شدن و تصاحب قدرت و ارائه نظام سیاسی مطلوب متناسب با مبانی اعتقادی خود می‌باشند.

بنابراین، مسلمان تسلیم ظلم و فساد نمی‌شود و با ستمگران و مفسدان همکار و همراه و هم‌صدا نخواهد شد. این اصل انتظار مانند يك قوه مبقيه و عامل بقا و پایداری، طرف‌داران حق و عدالت و اسلام‌خواهان حقیقی را در برابر تمام دستگاه‌های فشار، استبعاد، جهل و شرک، بشرپرستی و فساد انگیزی پایدار نگه می‌دارد و همواره بر روشنی چراغ امیدواری منتظران و ثبات قدم و مقاومت آن‌ها می‌افزاید و آنان را در انجام وظایف، شور و شوق و نشاط می‌دهد. این اصل انتظار است که در مبارزه حق و باطل، صفوف طرفداران حق را فشرده‌تر و مقاوم‌تر می‌کند و آن‌ها را به نصرت خدا و فتح و ظفر نوید می‌دهد و گوش آن‌ها را همواره با صداهای نویدبخش قرآن آشنا می‌دارد: «قُلْ اَنْتَظِرُوا اِنَّا مُنْتَظِرُونَ»؛ بگو منتظر باشید که ما هم منتظریم» (انعام: ۱۵۸)؛ «فَتَرْيَظُوا اِنَّا مَعَكُمْ مُتْرَبِّصُونَ»؛ منتظر باشید که ما هم با شما منتظریم» (توبه: ۵۲)؛ «فَاَنْتَظِرُوا اِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ»؛ منتظر باشید که من هم با شما منتظرم» (اعراف: ۷۱). این انتظار، ضعف و سستی و مسامحه در انجام تکالیف و وظایف نیست و عذر برای کسی در ترك مبارزه مثبت یا منفی و ترك امر به معروف و نهی از منکر نمی‌باشد و سکوت و بی‌حرکتی و بی‌تفاوتی و تسلیم به وضع موجود و یأس و ناامیدی را هرگز با آن نمی‌توان توجیه کرد. این انتظار، حرکت، نهضت، فداکاری، طرد انحراف و مبارزه با بازگشت به عقب و ارتداد است (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۲: ص ۷۴-۸۰). «مسلمانان انتظار روزی را می‌کشند که فقر و بدبختی، و جهل و نادانی از سراسر جهان ریشه‌کن گردد و بینش و بصیرت جامعه، کامل و افراد صالح و رشید و دادگر، زمامدار و مصادر

امور باشند، و اختلافات جغرافیایی و ملی و دینی، و سیاست‌ها و رژیم‌ها و مسلک‌های باطل از بین برود. این بینش، مقصد، هدف و انتظار مسلمانان است که خیر و سعادت عموم، عصر آزادی، برابری همگان و آسایش و رفاه، علم و ترقی، و عدالت و نیک‌بختی را برای تمام افراد بشر خواهان است. این انتظار، شخص را متعهد و مسئول می‌سازد که برای تحقق هدف‌های اسلام و عملی‌شدن برنامه‌های دین، بدون هیچ یأس و ضعف و سستی و ناامیدی، شب و روز کوشش نماید و فداکاری کند تا بلکه يك گام به سوی مقاصد متعالی اسلام جلو برود. این انتظار، شخص را محکم و مقاوم، بااراده، نفوذناپذیر، مستقل، شجاع و بلند همت می‌سازد. این انتظار، لفظ نیست؛ گفتن نیست؛ عمل است، حرکت است، نهضت و مبارزه و جهاد است، صبر و شکیبایی و مقاومت است» (همان، ص ۱۰۱-۱۰۲). چشم‌انداز روشنی که بر پایه ایمان به آیات الهی و توسل و تکیه بر قدرت ولایت اهل بیت شکل گرفته، می‌تواند ترسیم‌کننده پایان کار دین‌داران و غلبه بر کفار باشد؛ «و اما در مورد جهانگیر شدن دین اسلام و غلبه آن بر تمام ادیان کافی است به آیات ۳۲ و ۳۳ سوره توبه، و آیه ۲۸ سوره فتح، و آیه ۶ و ۸ سوره صف، و آیات متعدّد دیگر توجه شود، در آن‌ها وعده ظهور و غلبه دین حق بر تمام ادیان داده شده است، وعده‌ای که با ظهور حضرت مهدی عَجَلُ اللّهِ إِلَيْهِ تحقق خواهد یافت و این تخلف‌ناپذیر است» (همان، ۱۳۹۳: ص ۱۰۶-۱۰۵).

نگاه به حرکت‌های اجتماعی و سیاسی شکل‌گیری انقلاب اسلامی نیز در اندیشه آیت‌الله صافی گلپایگانی بر مبنای چشم‌انداز ظهور می‌باشد.

در انقلاب اسلامی که تداوم دارد و همیشه بوده است، آن چیزی که محرک و الهام‌بخش انقلابیون اسلام‌خواه است، همان ایمان به حکومت «الله» و رهنمودهای سیاسی قرآن و سیره حضرت رسول صَلَّى اللّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ است که خواست واقعی توده‌های مسلمان بازگشت حکومت «الله» و نظام اسلام است. پس این انقلاب با معیارهای اسلامی که دارد، هدفش برقراری نظام شرعی و الهی خواهد بود. این انقلاب که با الهام مستضعفان از آیاتی مثل آیه: «وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ»؛ و اراده داریم بر آنان که در زمین به استضعاف کشیده شدند منت نهیم» (قصص: ۵)؛ و نیز آیه: «وَتُرَىٰ فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ»؛ و از ناحیه آنان به فرعون و وزیرش) هامان و سپاهیان‌شان آنچه را از آن بیمناک بودند، نشان دهیم» (قصص: ۶) و دیگر آیات حرکت بخش و انقلاب آفرین به وجود می‌آید، هدفش مشخص و عالی‌تر و سازنده‌تر از



انقلاب‌های عادی است..... رژیم رهبری انقلابی که مقدمه دموکراسی خوانده می‌شود، خود اصالت و موضوعیت ندارد؛ اما نظام امامت، که هر انقلابی در صورتی ناجح و پیروز خواهد شد که به آن برسد، مقدمه نیست و از آغاز بوده و تا پایان خواهد بود (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۲: ص ۵۱-۵۳).

چشم انداز علاوه بر ترسیم اهداف به مسیر حرکت توجه دارد، و این مهم، در مرقومات شریف ایشان به صورت کاملاً واضح بیان و جزو تکالیف منتظران بیان شده است. برای تحقق چشم انداز حکمت صالحان منتظر و وظیفه منتظران بیان شده است:

این نظام از عصر خود پیغمبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تا حال باقی است، و در این عصر که عصر غیبت است، در ولایت فقها و علمای عادل تبلور دارد و این نظامی است که حد و مرز ندارد و در هر کجا و هر نقطه از جهان، تحت هر رژیم و حکومت، یک نفر مسلمان باشد، باید از این نظام تبعیت داشته باشد و تابعیت واقعی او تابعیت از این نظام باشد. این نظام است که رمز وحدت سیاسی تمام شیعه در سراسر عالم است (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۲: ص ۱۰۲).

با توجه به مبانی روش چشم‌اندازسازی در آینده‌پژوهی اسلامی، فرهنگ انتظار از منظر آیت‌الله صافی گلپایگانی، به ترسیم چشم‌اندازی روشن برای امت اسلامی برای مبارزه و حرکت اسلامی می‌پردازد. اهداف تعالی خواهانه‌ای که در مباحث مورد اشاره واقع گردیده است، چشم‌اندازی روشن برای منتظران ظهور را تجلی می‌بخشد که نیرویی عظیم در وجود انسان تعالی خواه انسان برای حرکت و سازندگی ایجاد می‌کند. فرهنگ انتظار، فرهنگ آمادگی و مهیا شدن برای هر نوع تحول و تغییری در آینده مبتنی بر چشم‌انداز ظهور است؛ و این آمادگی برای تحقق آینده موعود و مطلوب موحدان و ظهور امام زمان عَجَّلَ اللهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الْعَرَبِيُّ برای تشکیل حکومت جهانی است.

۲. تصویرپردازی از آینده مطلوب و مرجح

فرهنگ انتظار، فرهنگ تحول و تغییر و پویایی به امید رسیدن به آینده مطلوب الهی و زیبا و خیره‌کننده است. یکی از کارکردها و وظایف مسلم آینده‌پژوهی در هر جامعه (و در سطح بالاتر در هر تمدن) ترسیم الگوی آرمانی جامعه از منظر باورها و ارزش‌های بنیادین آن جامعه یا تمدن است؛ یعنی آن چه از گذشته به مدینه فاضله یا آرمان‌شهر موسوم بوده است. طراحی این مدینه



فاضله بر عهده آینده‌پژوهی تصویرپرداز است. به زعم برخی از پژوهشگران، جامعه‌ای چون ایران اسلامی، که تحت نظام دینی هدایت می‌شود، لاجرم باید به نوعی از نظام آینده‌پژوهی دینی مجهز باشد که از قرآن نشأت گرفته و دارای برنامه‌ای روشن و جامع باشد. از آن‌جا که مهدویت، هدف غایی مشخصی بر پایه تکلیف دارد، می‌توان آینده‌پژوهی مرتبط با مهدویت را «آینده‌پژوهی مأموریت‌گرا» نامید. به عبارتی دیگر، آینده‌پژوهی تکلیفی (در مقابل آینده‌پژوهی تدبیری). هیچ نوع آینده‌پژوهی و هیچ نوع نظام آینده‌پژوهی دینی را نمی‌توان در جامعه متصور شد، مگر این‌که باور به مهدویت و پیامدهای مبارك آن در هسته مرکزی آن قرار داشته باشد و این باور به آینده روشن، توسط انبیا و اولیای الهی به وضوح ترسیم شده است (رحیم کارگر، ۱۳۸۹: ص ۴۵).

در فرهنگ انتظار از دیدگاه آیت‌الله صافی گلپایگانی، این آینده‌نگری، هم به ترسیم وضعیت مطلوب برای خود پرداخته است (آرمان شهر منتظر) و هم در صدد حرکت و پوییش به وضعیت مطلوب و پسندیده و برگزیده (آینده مرجح) می‌باشد. «دنیا از این‌همه اضطرابات روزافزون، ناامنی‌ها، افکار متضاد و رژیم‌های رنگارنگ ظالمانه نجات یافته و در مهد امن و امان و اطمینان و اعتماد و اتحاد قرار بگیرد» (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۵: ص ۴۱۵-۴۱۶).

این تصویرپردازی منتظرانه، در واقع تصویرپردازی از آرمان شهر عصر ظهور (آرمان شهر موعود) است که گذشته، حال و آینده انسان و جامعه را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد و باعث می‌شود سمت و سو و جهت‌گیری تصمیمات، برنامه‌ها، سیاست‌ها و راهبردها تغییر یابد و کلاً زندگی سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در آن مسیر و مقصد مطلوب و روایی و الهام‌بخش باشد؛ آینده‌ای درخشان و عدل محور که در آیات و روایات انتظار و مهدویت تصویر و ترسیم شده و اشتیاق و جذبه خاصی را در افکار و اذهان و دل‌ها ایجاد می‌کند. مسلمانان عموماً و شیعه ائمه عسری خصوصاً، ظهور شخصیتی را انتظار می‌کشند که انقلاب اسلام را جهان‌گیر و حق و عدالت را پیروز گرداند و بشر را از تضادهای گوناگون، استثمار، استعمار و از وقوف و توقف نجات دهد و به سوی تعالی پیش براند و اصول توحید، مساوات، آزادی و برادری اسلامی را رونق دهد. این شخص موعود، امام دوازدهم از دوازده نفر پیشوایان و رهبرانی است که پیغمبر عالی‌مقام اسلام در روایات متعددی آن‌ها را معرفی کرده و فرزند عزیز رهبر یازدهم، حضرت امام



حسن عسکری علیه السلام است. اصل انتظار به صورت‌های گوناگون در بین ملت‌های مختلف، همواره محفوظ بوده و آینده‌نگری همیشه بشر را به خود مشغول داشته، برگشتن به عقب و بلکه وقوف و ایستادن در يك مرحله به هر حال محکوم و خلاف سنت‌های عالم خلقت است (همان، ص ۶۹-۷۱).

فرهنگ انتظار، ترسیم‌کننده تصویر آرمان‌شهر ظهور است:

در آن موقع همه ملل از مدنیت معنوی و اخلاقی محروم، دشمنی، کینه، ظلم و تجاوز، همه را نسبت به یکدیگر بدبین و از هم جدا ساخته و اتحاد، وحدت، همفکری و همکاری، به کلی از میان بشر رخت بریسته و از این که کسی بتواند بدون مدد غیبی جامعه را رهبری کند، همه مأیوس می‌گردند و خلاصه، همه با هم در مبارزه، جنگ و ستیز از وضع خود ناراضی، و از مکتب‌های مختلف که عرضه می‌شود، ناامید بوده و منتظر تغییر رژیم و انقلاب و عوض شدن اوضاع، و کنار رفتن زمامداران خدانشناس و برداشته شدن مرزها و القای تجزیه‌ها و تقسیم‌ها می‌باشند. در چنین موقعیتی، حضرت صاحب‌الزمان عجل الله تعالی فرجه و اصحابش، با نیروی ایمان و اخلاق حسنه و با نجات‌بخش‌ترین برنامه‌های عمرانی، اقتصادی و عدالت اجتماعی، برای انقلاب و دعوت به قرآن و اسلام، قدم به میدان می‌گذارند و آن نهضت الاهی و دعوت روحانی را شروع می‌کنند و مردم را به سوی خدا و احکام خدا و زندگی برابری و برادری، عدل و امنیت، صفا و وفا، راستی و درستی و نظم صحیح، می‌خوانند و خود و اصحابش، نمونه همه فضایل بشری می‌باشند و با نیروی ایمان و استقامت و پشتکار و همتی که مخصوص مؤمنان ثابت قدم است، هدف و مقصد خود را تعقیب می‌نمایند» (همان، ۱۳۹۳: ص ۱۷-۱۹).

آنچه در مطالب مذکور مشاهده می‌شود، ترسیم وضعیت آرمان‌شهر ظهور است که در مقوله انتظار از دیدگاه آیت‌الله صافی گلپایگانی با بیان وضعیت زمان ظهور و بیان حالاتی که به ساخت تصاویر ذهنی منتهی می‌شود پرداخته شده است.

نتیجه‌گیری

«آینده‌پژوهی اسلامی»، دانشی است ارزش بنیان و مبتنی بر جهان بینی، ایدئولوژی و فرهنگ اسلام. «چشم‌اندازسازی» و «تصویرپردازی» از روش‌های شناخت و تحلیل آینده در آینده‌پژوهی اسلامی است که در بیش‌تر منابع وحی و روایات اسلامی مشاهده می‌گردد. انتظار در اندیشه آیت‌الله صافی گلپایگانی، اهداف نهایی ظهور، چشم‌اندازی متعالی برای امت اسلامی را تبیین و ترسیم می‌کند و با فراخواندن جامعه منتظر به حرکت و تلاش برای تحقق عدالت، جامعه‌ای امیدوار و با آمادگی بسیار بالا زمینه‌سازی ظهور و نصرت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و ایفای نقش مهم در تحولات جهانی را رقم می‌زند. چشم‌انداز ترسیم شده در فرهنگ انتظار از منظر آیت‌الله صافی گلپایگانی، علاوه بر آینده‌نگری به سمت آینده‌سازی جریان دارد و با جامعه منتظر اصلاح‌کننده جامعه اسلامی، زمینه‌ساز ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و تحقق بخشی از اهداف امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است، چشم‌انداز ظهور در این اندیشه بیان می‌دارد کسانی که در جامعه منتظر زندگی می‌کنند، به وعده‌های الهی و آینده امید دارند و از پوچی و ناامیدی پرهیز می‌کنند و رابطه خوبی با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف دارند. چشم‌انداز ظهور به بیان ارزش‌های اساسی جامعه منتظر و اصلاح فرد و جامعه می‌پردازد و با انتظار تغییر بزرگ، پویایی و امیدواری، مبارزه به‌منظور رسیدن به حقیقت اصلی، ظلم‌ستیزی و اجرای عدالت، بن‌بست شکنی، توانمندی مستمر و پایدار را به ارمغان می‌آورد و شناسایی وضعیت دنیا، اعتماد به آینده، جوان محوری، پرهیز از گوشه‌گیری و احساسات منفی، ارتباط با امام زمان (عج)، آشنایی با ارکان انتظار، آماده‌باش دائم، نصرت و معنویت، پرهیز از راحت‌طلبی، عمل‌گرایی، خرافه‌ستیزی، عمل به احکام اسلامی و پرهیز از الگوگیری از غرب را در مسیر تحقق این چشم‌انداز ضروری بیان می‌دارد. «تصویرپردازی» نیز یکی دیگر از روش‌های آینده‌پژوهی اسلامی است که در فرهنگ انتظار از منظر آیت‌الله صافی گلپایگانی با بیان آرمان‌های جامعه مهدوی و آرمان‌شهر ظهور به آن پرداخته می‌شود. نتیجه بررسی‌ها نشان می‌دهد در متن آثار تألیفی آیت‌الله صافی گلپایگانی، تصاویری از وضعیت آرمان‌شهر ظهور ترسیم شده است که در فرهنگ انتظار از دیدگاه ایشان، با بیان وضعیت زمان ظهور و بیان حالات و توصیف وقایعی از آینده‌های محتوم به ساخت تصاویر ذهنی و زیبا و مهیج از زمان ظهور امام زمان (عج) منتهی می‌شود. هدف اصلی چشم‌اندازسازی و تصویرپردازی در



فرهنگ انتظار، تحقق جامعه‌ای منتظر و صالح است و تلاش دارد وضعیت کنونی جامعه بهبود یابد و عظمت اسلام را به دست آورد. جامعه منتظر باید به جامعه‌ای آگاه و هوشمند تبدیل شود؛ گسترش و فراگیر بودن اسلام در جهان، تحقق حکومت عدل مهدوی و تحقق و تقرب به جامعه آرمانی مهدوی از اهداف بلند انتظار در اندیشه آیت‌الله صافی گلپایگانی است.



منابع

قرآن کریم.

۱. اسلاتر، ریچارد (۱۳۹۰). *دانش واژه آینده‌پژوهی*، مترجم: عبدالمجید کرامت زاده و دیگران، تهران، مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی.
۲. بهروزی لک، غلام‌رضا (پاییز ۱۳۹۰). «آینده جهان اسلام از منظر دو آینده‌پژوه مسلمان: «سردار» و «المانجر»»، مجله مشرق موعود، ش ۱۹.
۳. جدید بناب، علی (پاییز ۱۳۹۴). «نقش انتظار در تحقق امت واحده»، مجله پژوهش‌های مهدوی، ش ۱۴، ص ۷۷-۹۶.
۴. حسینی، الهام و حسینی، راضیه (اسفند ۱۳۹۴). «آینده‌پژوهی اسلامی؛ امکان‌پذیری و چگونگی تحقق»، شیراز، کنفرانس ملی اقیانوسی مدیریت.
۵. ریزانه، جلال (۱۳۹۹). «هفتمین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی در ایران»، مجموعه مقالات کنفرانس، ص ۹۷۲-۹۹۹.
۶. صافی گلپایگانی لطف‌الله (۱۳۹۲ الف). *انتظار عامل مقاومت*، قم، دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی.
۷. _____ (۱۳۹۲ ب). *نظام امامت و رهبری، امامت حضرت بقیه الله و نقش سازنده عقیده به امامت آن حضرت*، قم، دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی.
۸. _____ (۱۳۹۲ ج). *وابستگی جهان به امام زمان*، قم، دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی.
۹. _____ (۱۳۹۲ د). *عقیده نجات بخش سلسله مباحث امامت و مهدویت (۵)*، عقیده نجات‌بخش، پیرامون عقیده به ظهور و حکومت حضرت مهدی، قم، دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی.
۱۰. _____ (۱۳۹۳ الف). *گفتمان مهدویت*، قم، دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی.
۱۱. _____ (۱۳۹۳ ب). *پاسخ به ده پرسش: پیرامون امامت، خصائص و اوصاف حضرت مهدی عجله الله تعالی فرجه الشریف*، قم، دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی.
۱۲. _____ (۱۳۹۵). *امامت و مهدویت: ولایت و امامت خاصه و عامه*، قم، دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی.



۱۳. عنایت‌الله، سهیل (۱۳۹۴). *پرسش از آینده*، تهران، انتشارات مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری دفاعی.
۱۴. عیوضی، محمد رحیم و پدرام عبدالرحیم (بهار ۱۳۹۳). «اهداف و مفروضات آینده‌پژوهی اسلامی»، نشریه بهبود مدیریت، ش ۲۳، ص ۲۷-۴۸.
۱۵. کارگر رحیم (۱۳۸۹). *جستارهایی در مهدویت*، تهران، بنیاد فرهنگی مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف.
۱۶. _____ (بهار ۱۳۸۹). «آینده‌پژوهی قرآنی و جایگاه مهدویت در آن»، فصلنامه انتظار، ش ۳۲.
۱۷. مرادی پور، حجت‌الله؛ نوروزیان، مهدی (تابستان ۱۳۸۴). «آینده‌پژوهی، مفاهیم و روش‌ها»، مجله رهیافت، ش ۳۶، ص ۴۵-۵۰.
۱۸. ملکی فر، عقیل و همکاران (۱۳۹۳). *القبای آینده‌پژوهی*، تهران، انتشارات آینده.
۱۹. میچیح، پرو (۱۳۸۷). *آینده‌پژوهی و مدیریت آینده*، مترجم: عبادالله حیدری، تهران، مرکز آینده‌پژوهی و اطلاع‌رسانی.